

روم رویت را برپا می سازد — شمارهٔ ٦

ردّ بنیادوں کا انکار: ایڈونٹسٹ نبوت میں 'Daily' 'Daily' کے تنازعے اور سچائی کے انکار کے نتائج

Jeff Pippenger

2024-08-21

ما در حال حاضر به خط نبوی منازعات درون تاریخ آدونتیسیم می پردازیم که در ارتباط با نمادهای گوناگون روم رخ داده اند. اکنون به «قربانی دائمی» در کتاب دانیال می پردازیم. آن مناقشه بیانگر ردّ بنیان های آدونتیسیم، ردّ اقتدار روح نبوت، و ردّ پیام آوری است که خدا برگزیده بود. رد کردن کار میلر همچنین نشان دهندهٔ ردّ تعلیمی است که به میلر به وسیلهٔ فرشتگان آسمانی داده شده بود؛ همان فرشتگانی که میلر را به درک او از پیامی رهبری کردند که از افزایش معرفت، هنگامی که کتاب دانیال در سال 1798 گشوده شد، پدید آمد.

وہ لوگ جو اُس سچائی کو رد کرتے ہیں جو 2 تھسلنیکویوں میں اُس قوت (بت پرست روم) کی نشان دہی کرتی ہے جس نے پاپائی قوت کے ظاہر ہونے کو روک رکھا، یہ ظاہر کرتے ہیں کہ وہ سچائی سے محبت نہیں رکھتے؛ اور سچائی کی محبت کو رد کرنے کے سبب وہ جھوٹ کو قبول کرتے ہیں۔ پھر وہ جھوٹ اُن پر سخت گمراہی طاری کر دیتا ہے۔ جھوٹ سبب ہے، اور جو سخت گمراہی انہیں لاحق ہوتی ہے وہ اُس کا اثر ہے۔ سچائی کی محبت کا فقدان اُن کی محرک قوت ہے۔ جھوٹ، بائبل تعلیم کے بارے میں تکثیری قبولیت کے انتخاب کی نمائندگی کرتا ہے، اُن لوگوں کے برخلاف جو مطلق سچائی پر ایمان رکھتے ہیں۔ یہی وجہ ہے کہ پولس کی سخت گمراہی کی یسعیاہ کی تمثیل میں اسے محض ایک گمراہی نہیں بلکہ گمراہیوں کے طور پر پیش کیا گیا ہے۔ دوسرا گروہ وہ ہے جو سچائی سے محبت کرتا ہے، مطلق سچائی کے مقدمے کو قبول کرتا ہے، اور یسعیاہ کے نزدیک اُن لوگوں کے طور پر پہچانا جاتا ہے جو خدا کے کلام پر لرزتے ہیں۔

خداوند چنین می فرماید: آسمان عرش من است، و زمین کرسی پای من؛ پس کدام خانه است که برای من بنا می کنید؟ و کجاست مکان آرام من؟ زیرا دست من همه این چیزها را ساخته است، و همه اینها پدید آمده اند، خداوند می گوید؛ اما به این شخص نظر خواهم کرد: به او که فقیر و شکسته دل است و از کلام من می لرزد. آن که گاوی را ذبح می کند، همچون کسی است که انسانی را کشته باشد؛ آن که بره ای را قربانی می کند، همچون کسی است که گردن سگی را زده باشد؛ آن که هدیه ای تقدیم می کند، همچون کسی است که خون خوک پیشکش کرده باشد؛ آن که بخور می سوزاند، همچون کسی است که بتی را متبرک ساخته باشد. آری، ایشان راه های خود را برگزیده اند، و جان ایشان از رجاسات خود لذت می برد. من نیز اوها را ایشان را برخواهم گزید، و آنچه را از آن می ترسند بر ایشان خواهم آورد؛ زیرا چون خواندم، هیچ کس پاسخ نداد؛ چون سخن گفتم، گوش ندادند؛ بلکه آنچه را در نظر من بد بود به جا آوردند، و آنچه را که من از آن خشنود نبودم برگزیدند. کلام خداوند را بشنوید، ای شما که از کلام او می لرزید؛ برادران شما که از شما نفرت داشتند و به خاطر نام من شما را بیرون راندند، گفتند: «بگذارید خداوند جلال یابد»؛ اما او برای شادی شما ظاهر خواهد شد، و ایشان سرافکنده خواهند شد. اشعیا 56:1-5.

کسانی که از کلام خدا می لرزند، مطرودان اسرائیل اند که در ایام آخر همان کسانی هستند که به منزلهٔ علم معرفی شده اند.

او برای امت ها علمی برپا خواهد کرد، و رانده شدگان اسرائیل را گرد خواهد آورد، و پراکندگان یهودا را از چهار گوشهٔ زمین جمع خواهد کرد. اشعیا 11:12.

خداوند تصریح می‌کند که آن خانه‌ای را که گروه تقدیم‌کننده قربانی‌های فاسد مدعی‌اند ساخته‌اند، خود او بنا کرده است. همان خانه است که آنان بر آن توکل می‌کنند آنگاه که اعلام می‌دارند: «این‌ها هیکل خداوند است.»

در دروازه خانه خداوند بایست و این کلام را در آنجا ندا کن و بگو: «ای تمامی یهودا که از این دروازه‌ها برای عبادت خداوند داخل می‌شوید، کلام خداوند را بشنوید. یهوه صباوت، خدای اسرائیل، چنین می‌فرماید: راه‌ها و اعمال خود را اصلاح کنید، و من شما را در این مکان ساکن خواهم ساخت. بر سخنان دروغین اعتماد نکنید که می‌گویند: این است هیکل خداوند، هیکل خداوند، هیکل خداوند.» ارمیا ۷:۲-۴

آنان که بر سخنان دروغین «توکل» می‌کنند، همان کسانی‌اند که دروغی را باور می‌دارند. خانه‌ای که خداوند بنا کرد، بر همان بنیادی برپا شد که خود او نیز آن را پدید آورد. آن گروه که چون خدا فراخواند، از پاسخ‌گفتن سر باز زدند، راه‌های خود را برگزیدند و از رجاسات لذت بردند. آنان «راه‌ها» و «رجاسات» را به صیغه جمع برگزیدند، حال آنکه ارمیا تصریح کرده بود که برای سلوک در درون، تنها یک راه وجود دارد.

چنین می‌فرماید خداوند: «بر سر راه‌ها بایستید و بنگرید، و از راه‌های کهن بپرسید که راه نیکو کدام است، و در آن سلوک نمایید؛ آنگاه برای جان‌های خویش آرامی خواهید یافت.» اما ایشان گفتند: «در آن سلوک نخواهیم کرد.» همچنین دیدبانانی بر شما گماشتم که می‌گفتند: «به آواز کرنا گوش فرا دهید.» اما ایشان گفتند: «گوش نخواهیم داد.» پس ای امت‌ها، بشنوید، و ای جماعت، بدانید آنچه در میان ایشان است. ای زمین، بشنو: اینک من بلا را بر این قوم خواهم آورد، یعنی ثمره افکار ایشان را، زیرا به سخنان من گوش فرا نداده‌اند، و شریعت مرا نیز رد کرده‌اند. «پس بخور از شبا و نی خوشبو از سرزمینی دوردست، مرا چه سود؟ قربانی‌های سوختنی شما مقبول من نیست، و ذبیحه‌های شما نزد من خوشایند نمی‌باشد.» ارمیا ۶:۶-۲۰

در باب پانزدهم، ارمیا آن جماعت شریری را که با آنکه گوش داشتند، گوش فرا ندادند، «مجمع استهزاکنندگان» می‌خواند. به این جماعت، هم در تاریخ پیام فرشته اول و دوم، و بار دیگر در تاریخ فرشته سوم، «دیده‌بان» عطا شد، اما آنان از رفتن در راه نیکو، که همان طریق‌های قدیم است، امتناع ورزیدند. بلکه در «راه‌ها» سلوک کردند. از این‌رو، اشعیا تصریح می‌کند که خدا اوها م متعدد را برخواهد گزید، زیرا ایشان به جای آن راه مطلق طریق‌های قدیم، کثرتی از راه‌های باطل را برگزیدند. همان‌گونه که در شهادت اشعیا نیز آمده است، عبادت مجمع استهزاکنندگان از سوی خداوند مردود است. خواهر وایت به صراحت کثرت اوها م اشعیا را با ضلالت شدید پولس مرتبط می‌سازد، و آن را در بستر رد حقایق بنیادی قرار می‌دهد، یعنی آن بنیادی که خداوند خانه خود را بر آن بنا کرد و بنا می‌کند.

«آن که به زیر ظاهر می‌نگرد و دل‌های همه آدمیان را می‌خواند، درباره کسانی که از نور عظیم برخوردار بوده‌اند، می‌گوید: "ایشان از وضع اخلاقی و روحانی خویش نه محزون‌اند و نه مبھوت." آری، راه‌های خود را برگزیده‌اند، و جان ایشان از مکروهاتشان لذت می‌برد. "من نیز اوها م ایشان را برخواهم گزید، و آنچه از آن می‌ترسند بر ایشان خواهم آورد؛ زیرا هنگامی که خواندم، هیچ‌کس پاسخ نداد؛ چون تکلم نمودم، نشنیدند؛ بلکه آنچه را در نظر من بد بود به‌جا آوردند، و آنچه را که از آن خشنود نبودم برگزیدند." خدا ایشان را به گمراهی شدید خواهد سپرد تا دروغ را باور کنند، زیرا "محبت حق را نپذیرفتند تا نجات یابند،" بلکه از ناراستی لذت بردند." اشعیا ۳: ۶۶، ۴: ۲ تسالونیکیان ۲: ۱۱، ۱۰، ۱۲.»

آسمانی معلّم نے دریافت فرمایا: "ذہن کو اس دعوے سے بڑھ کر اور کون سا فریب بہکا سکتا ہے کہ تم درست بنیاد پر تعمیر کر رہے ہو اور خدا تمہارے اعمال کو قبول کرتا ہے، حالانکہ فی الحقیقت تم بہت سی باتیں دنیوی مصلحت کے مطابق انجام دے رہے ہو اور یہوواہ کے خلاف گناہ کر رہے ہو؟ آہ،

یہ ایک عظیم دھوکا ہے، ایک مسحور کن فریب، جو ذہنوں پر قابض ہو جاتا ہے جب وہ لوگ جنہوں نے کبھی سچائی کو جانا تھا، دینداری کی صورت کو اس کی روح اور قدرت سمجھ بیٹھتے ہیں؛ جب وہ یہ گمان کرتے ہیں کہ وہ دولتمند ہیں اور مال سے مالامال ہو گئے ہیں اور کسی چیز کے محتاج نہیں، جبکہ درحقیقت وہ ہر چیز کے محتاج ہیں۔“

»خدا نسبت بہ خادمان وفادار خود کہ جامہ‌های خویش را بی‌لکه نگاہ می‌دارند، تغییری نکرده است. اما بسیاری ندا برمی‌آورند: ”سلامتی و ایمنی“، در حالی کہ هلاکتی ناگہانی بر ایشان فرود می‌آید. مگر آنکہ توبه‌ای کامل صورت گیرد، مگر آنکہ آدمیان دل‌های خود را با اعتراف فروتن سازند و حقیقت را چنان کہ در عیسی است بپذیرند، هرگز به آسمان داخل نخواهند شد. هنگامی کہ تطہیر در صفوف ما به وقوع پیوندد، دیگر در آسودگی نخواهیم آرمد و با فخر از این کہ دولتمندیم و بر اموال افزوده شده‌ایم و به هیچ چیز محتاج نیستیم، سخن نخواهیم گفت.»

może zgodnie z prawdą powiedzieć: „Nasze złoto zostało wypróbowane w ogniu; 250, nasze szaty są nieskalane przez świat”? Ujrzałam, jak nasz Nauczyciel wskazywał na szaty tak zwanej sprawiedliwości. Zdzierając je, obnażył ukryte pod nimi splugawienie. Wówczas powiedział do mnie: „Czy nie widzisz, jak obłudnie przykryli swoje splugawienie i zgniliznę charakteru? „Jakże wierne miasto stało się nierządnicą!” Dom mego Ojca stał się domem handlu, miejscem, z którego odeszły Boska obecność i chwała! Z tej przyczyny panuje słabość i brak siły.”” Testimonies, tom 8, 249, 250,„

در این متن، جماعت استهزاکنندگان ارمیا به عنوان لائودیکیان شناسایی می‌شوند که همان باکره‌گان نادان‌اند.

»حالت کلیسا که به وسیله باکره‌گان نادان نمایش داده شده است، همچنین به عنوان حالت لائودیکه توصیف شده است.« Review and Herald, August 19, 1890.

باکره بیوقوف کنواریوں میں تیل کی کمی اُس وقت ظاہر ہوتی ہے جب نصف شب کی پکار آتی ہے، کیونکہ اُس گھڑی وہ ایک ایسی گمراہی قبول کرتی ہیں جو اُس راستے کے ساتھ موافقت رکھتی ہے جسے اختیار کرنے کا وہ پہلے ہی انتخاب کر چکی ہوتی ہیں، جبکہ وہ یرمیاہ کی قدیم راہوں کو رد کرتی ہیں۔ قدیم راہیں وہی ہیں جہاں آرام اور تازگی پائی جاتی ہے، اور یہی آرام اور تازگی بارشِ اخیرے۔

»به من اشاره شد به زمانی که پیام فرشته سوم در حال بسته شدن بود. قدرت خدا بر قوم او قرار گرفته بود؛ آنان کار خود را به انجام رسانده بودند و برای ساعت آزمایشی پیش رویشان آماده شده بودند. آنان باران آخر، یا تازگی از حضور خداوند، را دریافت کرده بودند، و شهادت زنده احیا شده بود. آخرین هشدار عظیم در همه جا به صدا درآمدہ بود، و ساکنان زمین را کہ پیام را نمی‌پذیرفتند، برانگیخته و به خشم آورده بود.« Early Writings, 279.

در هنگام افاضہ روح القدس است کہ آن گمراہی شدید بر باکرگان نادان لائودیکه کہ حقیقت را دوست نمی‌دارند فرو ریخته می‌شود، و از این رو به جای حقیقت، دروغ را برای ایمان آوردن برمی‌گزینند. رد حقیقت، معادل رد شریعتِ شمرده می‌شود، زیرا شریعتِ خدا در قوانین نبوی او متجسد است.

»مکاشفہ، آفرینش یا اختراع چیزی نو نیست، بلکہ ظہور آن چیزی است کہ تا پیش از آشکار شدنش بر انسان‌ها ناشناخته بود. حقایق عظیم و ازلی مندرج در انجیل، از طریق جست‌وجوی کوشندہ و فروتنی ما در حضور خدا مکشوف می‌گردند. معلّم الهی ذہن جویندہ فروتن حقیقت را ہدایت می‌کند؛ و به واسطہ رہبری روح القدس، حقایق کلام بر او شناسانده می‌شوند. و راہی برای معرفت، مطمئن تر و مؤثرتر از این گونه ہدایت شدن، نمی‌تواند وجود داشته باشد. وعدہ

نجات دهنده این بود: «لیکن چون او، یعنی روح راستی، آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد.» از طریق افاضه روح القدس است که ما قادر ساخته می شویم کلام خدا را درک کنیم.»

مزمورنگار می نویسد: «جوان به چه چیز طریق خود را پاک می سازد؟ به نگاه داشتن آن موافق کلام تو. با تمامی دل خود تو را طلبیده ام؛ پس مگذار که از اوامر تو منحرف شوم... چشمان مرا بگشا تا عجایب شریعت تو را ببینم.»

«ما پند داده شده ایم که حقیقت را همچون گنجی نهان بجوییم. خداوند فهم جوینده راستین حقیقت را می گشاید؛ و روح القدس او را قادر می سازد تا حقایق مکاشفه را دریابد. مقصود مزمورنویس نیز همین است، آنگاه که درخواست می کند چشمانش گشوده شود تا چیزهای شگفت از شریعت را ببیند. هنگامی که جان در اشتیاق فضایل عیسی مسیح به نفس نفس می افتد، ذهن توانا می گردد که جلال های جهان بهتر را دریابد. فقط به یاری معلم الهی است که می توانیم حقایق کلام خدا را بفهمیم. در مدرسه مسیح می آموزیم که حلیم و فروتن باشیم، زیرا به ما فهم اسرار دینداری عطا می شود.» Sabbath School Worker, December 1, 1909.

ردّ پیام یا روش شناسی باران آخر، ردّ شریعت خداست. هنگامی که ارمیا اظهار داشت که «به سخنان من و به شریعت من گوش فرا ندادند، بلکه آن را رد کردند»، او با هوشع هم عقیده است.

قوم من از نداشتن معرفت هلاک می شوند؛ زیرا تو معرفت را رد کرده ای، من نیز تو را رد خواهم کرد تا دیگر برای من کاهن نباشی؛ و چون شریعت خدای خود را فراموش کرده ای، من نیز فرزندان تو را فراموش خواهم کرد. هوشع ۴:۶.

و علم جیسے نادان رد کرتے ہیں، علم میں وہ اضافہ ہے جس کی نشان دہی دانی ایل نے یہ کہہ کر کی کہ یہ انجام کے وقت واقع ہوگا۔ انجام کے وقت 1798 میں، اور پھر دوبارہ انجام کے وقت 1989 میں، علم میں ایک ایسا اضافہ ہوا جیسے اُس قاصد نے باقاعدہ صورت دی جیسے خدا نے ان دو متوازی نسلوں میں سے ہر ایک کی بنیاد قائم کرتے وقت استعمال کرنے کے لیے منتخب کیا۔ ان بنیادی حقائق کو بعض بائبل اصولوں کے مطابق منظم کیا گیا، جو ان کی متعلقہ تاریخوں کے منتخب قاصدوں پر ظاہر کیے گئے تھے؛ اور یہی بنیادی حقائق یرمیاہ کی قدیم راہیں ہیں، اور یہی وہ سچائیاں ہیں جو آخرکار نصف شب کے پکار اور بلند صدا کے پیغامات کے تیل کی نمائندگی کرتی ہیں۔ آخری بارش ایک سو چوالیس ہزار کی مہر بندی کی تاریخ میں نصف شب کے پکار کا پیغام پیدا کرتی ہے، اور اس کے بعد خدا کے اُس دوسرے گلے کی جمع آوری کی تاریخ میں، جو اب تک بابل میں ہے، بلند صدا کا پیغام پیدا کرتی ہے۔ آخری بارش خود بھی ایک پیغام ہے اور وہ طریقہ کار بھی ہے جو اس پیغام کو پیدا کرتا ہے۔ دانی ایل کے بیان کردہ علم میں اضافہ آزمائش کے ایک تین مرحلہ ای عمل کا آغاز کرتا ہے۔

و او گفت: «ای دانیال، بہ راہ خود برو؛ زیرا این سخنان تا زمان آخر بسته و مہر شدہ است۔ بسیاری پاک خواهند شد و سفید گردانیدہ خواهند شد و آزمودہ خواهند شد؛ اما شیران شرارت خواهند ورزید؛ و ہیچیک از شیران نخواہند فہمید؛ لیکن حکیمان خواہند فہمید.» دانیال ۱۲:۹، ۱۰

بدکاران دانیال همان باکرہ های نادان متی هستند که بر آن می شوند حالت لاودیکیه ای خود را حفظ کنند. وضعیت آنان در گام سوم سه آزمون دانیال آشکار می شود، آنگاه که هم خردمندان و هم بدکاران آزموده می شوند. آزمون نهایی جایی است که داوری اجرا می گردد، و هر دو گروه آشکار می سازند که آیا روغن را دارند یا نه.

«باز این مثل ها تعلیم می دهند که پس از داوری دیگر فرصتی برای آزمون باقی نخواهد بود. هنگامی که کار انجیل به کمال برسد، بی درنگ جدایی میان نیکان و شیران در پی خواهد آمد، و سرنوشت هر یک از این دو گروه برای همیشه تثبیت خواهد شد.» Object Lessons* Lessons* ص. ۱۲۳.

تجلی سیرت در آزمون سوم، پرستندگان را یا چون لائودکی نادان و یا چون فیلادلفی دانا مشخص می‌سازد. آزمون نهایی هم‌زمان با پیام باران آخر به انجام می‌رسد؛ پیامی که به واسطه روش‌شناسی باران آخر آشکار شده است. رد کردن روش‌شناسی باران آخر، جان انسان را در وضعیتی قرار می‌دهد که در آن نتواند پیام باران آخر را درک کند. اشعیا پیام و روش‌شناسی را به‌عنوان آزمون نهایی معرفی می‌کند.

او به که معرفت خواهد آموخت؟ و به که فهم تعلیم خواهد بخشید؟ به آنان که از شیر بازگرفته شده‌اند و از پستان‌ها جدا گردیده‌اند. زیرا حکم باید بر حکم باشد، حکم بر حکم؛ سطر بر سطر، سطر بر سطر؛ اندکی اینجا و اندکی آنجا. زیرا او با لب‌های لکنت‌آمیز و به زبانی دیگر با این قوم سخن خواهد گفت. آنان را که گفت: «این است آرامش، که با آن می‌توانید خسته را آرامی بخشید؛ و این است آسایش»؛ اما نخواستند بشنوند. پس کلام خداوند برای ایشان حکم بر حکم شد، حکم بر حکم؛ سطر بر سطر، سطر بر سطر؛ اندکی اینجا و اندکی آنجا؛ تا بروند و به عقب بیفتند و شکسته شوند و در دام افتند و گرفتار گردند. پس ای مردان استهزاگر که بر این قوم ساکن اورشلیم حکمرانی می‌کنید، کلام خداوند را بشنوید. زیرا گفته‌اید: «ما با مرگ عهد بسته‌ایم، و با هاویه موافقت کرده‌ایم؛ چون تازیانه طغیان‌کننده بگذرد، به ما نخواهد رسید؛ زیرا دروغ را پناهگاه خود ساخته‌ایم، و زیر باطل خویشتن را پنهان کرده‌ایم.» بنابراین خداوند یهوه چنین می‌فرماید: «اینک من در صهیون سنگی را به جهت بنیاد می‌نهم، سنگی آزموده، سنگ زاویه‌ای گران‌بها، بنیادی استوار؛ هر که ایمان آورد، شتاب نخواهد کرد. و داوری را میزان خواهم ساخت، و عدالت را شاقول؛ و تگرگ پناهگاه دروغ را خواهد رفت، و آب‌ها مخفیگاه را فرو خواهد گرفت. و عهد شما با مرگ منسوخ خواهد شد، و موافقت شما با هاویه برقرار نخواهد ماند؛ چون تازیانه طغیان‌کننده بگذرد، آنگاه به‌وسیله آن پایمال خواهید شد.» اشعیا 28:9-18.

«تازیانه جاری» در نبوت کتاب مقدس، بحران تدریجی قانون یک‌شنبه است که با قانون یک‌شنبه‌ای که به‌زودی در ایالات متحده آمریکا پدید می‌آید آغاز می‌شود. آن لائودیکیان جاهل و شریر که «محبّت حق» را در خود ندارند و از این‌رو افزایش معرفت را رد می‌کنند، بر این باورند که «تازیانه جاری» بر ایشان «نخواهد آمد»، زیرا از جمله، برگزیدند که تعریفی کاذب از یکی از نمادهای روم در نبوت کتاب مقدس را بپذیرند. بدین‌سان، آنان بر اساس بنیان نبوی خود، الگویی کاذب نبوی پدید آوردند. بنیاد ایشان بر شن بنا شده است، که نمایانگر کثرتی از سنگ‌ریزه‌های خردشده است. اما بنیاد حکیمان بر آن صخره یگانه بنا شده است.

مطابق آن فیض خدا که به من عطا شده است، چون معمار حاذقی، بنیاد را نهاده‌ام و دیگری بر آن بنا می‌کند. اما هر کس باخبر باشد که چگونه بر آن بنا می‌کند. زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند بنیادی جز آنچه نهاده شده است بگذارد، که آن عیسی مسیح است. و اگر کسی بر این بنیاد طلا، نقره، سنگ‌های گران‌بها، چوب، علف، یا کاه بنا کند، عمل هر کس آشکار خواهد شد؛ زیرا آن روز آن را ظاهر خواهد ساخت، چون به آتش مکشوف خواهد شد؛ و آتش، عمل هر کس را، از اینکه از چه نوع است، خواهد آزمود. ۱ قرن‌تیا ۱۰:۳-۱۳

بنیادهای کاذب با بنیاد حقیقی، یعنی مسیح عیسی—آن صخره—در تقابل قرار داده می‌شوند. بنیاد حقیقی یا کاذب در واپسین سه آزمون دانیال آشکار می‌گردد. آن «به‌وسیله آتش آشکار می‌شود»—آتش رسول عهد، که ناگهان به هیکل خود خواهد آمد. آنگاه گروهی ظاهر می‌شوند که با مرگ عهد بسته‌اند، و گروهی نیز ظاهر می‌شوند که عهد حیات بسته‌اند.

هُوش، مَنْ پیغامبرِ خُد ره روانه هاگنم، و اُو راه ره پیش روی مَنْ آماده هاگنِه؛ و آن سَروری که شِما جست و جو هاکنید، ناگهان به معبدِ خُد خواهد آمد، یعنی همان پیغامبرِ عهد که شِما به اُو دلخوشید؛ هوش، اُو خواهد آمد، خداوند لشکرها گوید. اما کیست که روز آمدنِ اُو ره تاب بیاره؟ و

کیست کہ هنگامی کہ ظاہر ہاہے، بایستہ بمانہ؟ زرا او مثل آتش زرگر و مثل صابون رخت‌شویان ہستہ۔ و او چون زرگر و پاک‌کنندہ نقرہ خاھد نیشست؛ و پسران لاوی رہ پاک خاھد کرد و ایشان رہ مثل طلا و نقرہ خالص خاھد ساخت، تا ہدیہ‌ای در پارسایی بہ خداوند تقدیم ہاکنند۔ آن گاہ ہدیہ یھودا و اورشلیم برای خداوند خوشایند خاھد بو، همچون روزگاران کھن و همچون سال‌های پیشین۔ و من برای داوری بہ شما نزدیک خاھد آمد؛ و بر ضد جادوگران، و بر ضد زناکاران، و بر ضد آنان کہ سوگند دروغ می‌خورند، و بر ضد آنان کہ مزد مزدور رہ در دستمزدش پایمال ہاکنند، و بر ضد بیوہ زنان و یتیمان، و آنان کہ حق غریب رہ منحرف ہاکنند و از من نمی‌ترسند، شاھدی زود خاھد بو، خداوند لشکرها گوید۔ ملاکی ۳-۵۔

پیام‌آور عہد آنگاہ برای داوری نزدیک می‌آید کہ فرایند آزمودن دانیال بہ سومین آزمون برسد و حکیمان و شریران آزمودہ شوند۔ فرایند سہ‌مرحلہ‌ای آزمودن دانیال در زمان آخر آغاز می‌شود، هنگامی کہ کتاب دانیال گشودہ می‌گردد و معرفت افزون می‌شود۔ افزایش معرفت از طریق کار پیام‌آور برگزیدہ‌ای کہ کرنا می‌نوازد، بہ وضوح درآوردہ می‌شود۔ ملاکی از آن پیام‌آور با عنوان «پیام‌آور» یاد می‌کند کہ «راہ را مہیا می‌سازد» پیش از آمدن پیام‌آور عہد؛ همان کہ بہ وسیلہ آتش آشکار می‌کند چہ کسی با او بہ عہد درآمده است، یا چہ کسی برگزیدہ است کہ با مرگ پیمان بندد۔ در تاریخ میلری، مسیح در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ ناگهان بہ ہیکل خود آمد؛ نشانہ‌ای کہ قانون یکشنبہ بہ زودی آمدنی را پیش‌نمایی می‌کند۔

Chrystusa jako naszego arcykapłana do Miejsca Najświętszego, dla oczyszczenia 426,,
 świątyni, ukazane w Daniela 8,14; przyjście Syna Człowieczego do Przedwiecznego,
 przedstawione w Daniela 7,13; oraz przyjście Pana do Jego świątyni, zapowiedziane
 przez Malachiasza, są opisami tego samego wydarzenia; a jest ono także
 przedstawione przez przyjście oblubieńca na wesele, opisane przez Chrystusa w
 przypowieści o dziesięciu pannach, w Mateusza 25". Wielki bój, s. 426,,

آخرُ اختباراتِ دانیال الثلاثہ یقع عند قانون الأحد الوشیک المچیء، حین یأتی رسول العہد لیظہر بالنار من قد قطع عہداً مع الحیاة أو مع الموت، وذلك فی سباق یوضع ضمن اللاویین۔ وحين یصف ملاخي عذاری متی الحکیمات والجاهلات، اللواتی هن لاودکیو یوحنا وفیلادلفیوہ، وحکماء دانیال وأشرارہ، فإن کلتا المجموعتین تختبران بالنار، ثم تظہران من هو لاوي ومن لیس بلاوي۔

لاویان نماد کسانی ہستند کہ در دو شورش گوسالہ‌های زرین، با وفاداری ایستادگی کردند۔ شورش نخست، شورش ہارون بود، و شورش دوم، شورش یربعام۔ در ہر دو تمثیل، لاویان نمایانگر وفاداران بودند، و ہر دو تمثیل دو شاھد از وفاداری گروہی را فراھم می‌آورند کہ در قانون یکشنبہ‌ای قریب‌الوقوع، بہ وسیلہ لاویان نمایندگی می‌شوند۔ ہارون گوسالہ‌ای زرین ساخت۔ طلا نماد بابل است، و گوسالہ تصویر وحشی است۔ سپس عیدی را مقرر ساخت و قوم نادان بر گرد گوسالہ عریان رقصیدند۔ تمامی شورش ایشان بر این اساس استوار بود و از این انگیزہ برمی‌خاست کہ موسی، رسول برگزیدہ، را رد کردہ بودند۔

و موسی نے ہارون سے کہا، اس قوم نے تجھ سے کیا کیا تھا کہ تُو نے ان پر ایسا بڑا گناہ لے آیا؟ اور ہارون نے کہا، میرے آقا کا غضب بھڑکنے نہ پائے؛ تو اس قوم کو جانتا ہے کہ یہ بدی پر تلی ہوئی ہے۔ کیونکہ انہوں نے مجھ سے کہا، ہمارے لیے ایسے معبود بنا دے جو ہمارے آگے چلیں؛ کیونکہ یہ موسی، وہ شخص جو ہمیں ملک مصر سے نکال لایا، ہم نہیں جانتے کہ اس کا کیا حال ہوا۔ اور میں نے ان سے کہا، جس کسی کے پاس سونا ہو، وہ اسے اتار دے۔ چنانچہ انہوں نے وہ مجھے دے دیا؛ پھر میں نے اسے آگ میں ڈال دیا، اور یہ بچھڑا نکل آیا۔ اور جب موسی نے دیکھا کہ لوگ ننگے ہو گئے ہیں؛ (کیونکہ ہارون نے انہیں ان کے دشمنوں کے درمیان ان کی رسوائی کے لیے ننگا کر دیا تھا) تو موسی

نے لشکرگاہ کے پھاٹک میں کھڑے ہو کر کہا، جو خداوند کی طرف ہے، وہ میرے پاس آئے۔ تب بنی لاوی سب کے سب اس کے پاس جمع ہو گئے۔ اور اس نے ان سے کہا، خداوند اسرائیل کا خدا یوں فرماتا ہے، ہر شخص اپنی تلوار اپنی ران سے باندھ لے، اور لشکرگاہ میں ایک پھاٹک سے دوسرے پھاٹک تک آتے جاتے پھرو، اور ہر شخص اپنے بھائی کو، اور ہر شخص اپنے ساتھی کو، اور ہر شخص اپنے پڑوسی کو قتل کرے۔ اور بنی لاوی نے موسیٰ کے کہنے کے مطابق کیا؛ اور اس دن لوگوں میں سے قریب تین ہزار آدمی قتل ہوئے۔ خروج 21:32-28۔

کسانی کے رقصیدند، لائودیکیائی بودند کہ «شرم برہنگی خویش» را آشکار ساختند؛ و این همان هشدارِ بلای ششم است، هشدارِ دربارهٔ ضرورتِ درکِ صحیحِ ساختارِ سه گانهٔ رومِ جدید به عنوان اژدها، وحش و نبی کذاب۔ این هشدار به صراحت یا تفسیرِ خصوصی اوریا اسمیت در تضاد است؛ تفسیری کہ حقایقِ مرتبط با بلای ششم و هارمجدون را نابود کرد۔

آنان کہ وضعیتِ لائودیکی خود را آشکار ساختند، اقتدارِ پیام آورِ برگزیده را رد کرده بودند و همان فہمِ آشفته ای را ظاہر کردند کہ در کسانی دیدہ می شود کہ برمی گزینند نمادِ شیطانی «قربانی دائمی» را به منزلهٔ نمادِ الهی خدمتِ مسیح در قدس او معرفی کنند۔ ایشان رهایی خود را به خدایی نمادین نسبت دادند، اما خدایی کہ برای پرستش برگزیدند، نمادی از خدای مصر بود، و مصر نمادی از اژدهاست۔ همان گونه کہ در ادونتیسیم لائودیکی، آنان این حقیقت را رد کردند کہ «قربانی دائمی» نمادی از روم بت پرست، اژدها، است و آن نمادِ شیطانی را به عنوان نمادی از مسیح معرفی کردند۔

اے ابن آدم، اپنا رخُ فرعون، مصر کے بادشاہ، کے خلاف کر، اور اُس کے خلاف اور تمام مصر کے خلاف نبوت کر۔ کلام کر اور کہہ: خداوند خدا یوں فرماتا ہے: دیکھ، اے فرعون، مصر کے بادشاہ، میں تیرے خلاف ہوں، اے عظیم اژدہا، جو اپنی نہروں کے درمیان لیٹا رہتا ہے، جس نے کہا ہے: میرا دریا میرا اپنا ہے، اور میں نے اُسے اپنے لیے بنایا ہے۔ حزقی ایل 2:29، 3۔

شورشیان ہارون آن دروغ را باور کردند کہ نمادی از اژدها، کہ به وسیلۂ گوسالۂ زرین نمایان شدہ بود، همان خدایی است کہ ایشان را از بندگی مصر رهایی بخشیدہ بود۔ آدونتیسیم لائودیکیہ آن دروغ را باور دارد کہ نمادی از روم بت پرست (اژدہا)، کہ به وسیلۂ «دائمی» نمایان شدہ است، نمادی از مسیح است کہ کار او این است کہ انسان ها را در خدمتِ خود در قدس آسمانی از بندگی گناہ رهایی بخشد۔ آنان همچنین پیام آورِ برگزیدہ را رد کردند، چنان کہ آدونتیسیم لائودیکیہ نیز در مناقشہ بر سرِ نمادپردازی «دائمی» چنن کرد۔

در نسلِ نخستِ آدونتیسیم لائودیکیہ ای (از ۱۸۴۴ تا ۱۸۸۸)، آنان کارِ میلر را در شناسایی «ہفت زمان» رد کردند۔ در نسلِ دومِ ایشان (از ۱۸۸۸ تا ۱۹۱۹)، فرایندِ ردِ حقیقتِ «قربانی دائمی» را آغاز نمودند۔ در نسلِ سومِ خود (از ۱۹۱۹ تا ۱۹۵۷)، بہ فہمِ پروتستانتیسیم مرتد بازگشتہ بودند کہ بر اساس آن، «دزدان قوم تو» همان آنتیوخس اپیفانس است۔ در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ہنگامی کہ وای سوم در آن تاریخ فرارسید، نقشِ اسلام را در نبوتِ کتابِ مقدس رد کردند۔ ہر یک از آن چہار حقیقت بہ وسیلۂ میلر تأیید شد و بر دو لوحِ حقوقِ نمود یافته است، و ہر یک از آن ها حقایقِ بنیادی ای ہستند کہ بہ کارِ میلر منسوب اند؛ همان کسی کہ خواہر وایت او را «برگزیدہ» می خواند۔

شورشِ یربعام در آغازِ پادشاہی شمالی شروع شد؛ پادشاہی ای کہ از دہ سبطِ تشکیل می شد کہ یربعام را نخستین پادشاہ خود ساختند۔ یربعام دو گوسالۂ زرین ساخت و یکی را در بیت ئیل، بہ معنای خانۂ خدا، و دیگری را در دان، بہ معنای داوری، قرار داد۔ بیت ئیل و دان با ہم، نمایانگرِ ترکیبِ کلیسا (بیت ئیل) و دولت (دان) ہستند۔ و همان گونه کہ در شورشِ ہارون، گوسالہ ها از طلا ساختہ شدہ بودند، کہ نمادِ بابل است، ہر دو نیز تصویری از یک وحش بودند۔ همچنین، همانند ہارون، یربعام عیدی سالانہ برقرار کرد و گوسالہ ها را همان خدایانی معرفی نمود کہ قومِ خدا را از مصر بیرون

آوردہ بودند.

اور یربعام نے اپنے دل میں کہا، اب یہ سلطنت داؤد کے گھرانے کو لوٹ جائے گی۔ اگر یہ لوگ یروشلم میں خداوند کے گھر میں قربانی چڑھانے کو جائیں، تو اس قوم کا دل پھر اپنے مالک، یعنی یہوداہ کے بادشاہ رحبعام کی طرف مائل ہو جائے گا، اور وہ مجھے قتل کر ڈالیں گے اور پھر یہوداہ کے بادشاہ رحبعام کے پاس لوٹ جائیں گے۔ پس بادشاہ نے مشورہ کیا اور سونے کے دو بچھڑے بنوائے، اور ان سے کہا، تمہارے لیے یروشلم جانا بہت ہے؛ اے اسرائیل، اپنے معبودوں کو دیکھ، جو تجھے ملک مصر سے نکال لائے۔ اور اُس نے ایک کو بیت ایل میں قائم کیا، اور دوسرے کو دان میں رکھا۔ اور یہ بات گناہ کا باعث بنی، کیونکہ لوگ ایک کے آگے سجدہ کرنے کو دان تک جانے لگے۔ اور اُس نے اونچی جگہوں کے گھر بنائے، اور عام لوگوں میں سے کاہن مقرر کیے جو بنی لاوی میں سے نہ تھے۔ اور یربعام نے اٹھویں مہینے کی پندرھویں تاریخ کو ایک عید مقرر کی، اُس عید کی مانند جو یہوداہ میں ہوتی تھی، اور وہ مذبح پر قربانی چڑھاتا تھا۔ اسی طرح اُس نے بیت ایل میں اُن بچھڑوں کے لیے قربانی چڑھائی جو اُس نے بنائے تھے؛ اور بیت ایل میں اُن اونچی جگہوں کے کاہنوں کو مقرر کیا جو اُس نے بنائے تھے۔ پس اُس نے بیت ایل میں اُس مذبح پر، جو اُس نے بنایا تھا، اٹھویں مہینے کی پندرھویں تاریخ کو، یعنی اُس مہینے میں جسے اُس نے اپنے ہی دل سے ٹھہرایا تھا، قربانی چڑھائی؛ اور بنی اسرائیل کے لیے عید مقرر کی؛ اور وہ مذبح پر چڑھا اور بخور جلایا۔ 1 سلاطین 12:26-33.

یربعام «در دل خود تدبیر کرد»، و این نمایانگر کار اوریا اسمیت در مطرح ساختن «تفسیر خصوصی» ای است کہ به واسطه آن الگوی نبوی خویش را بنا نهاد. یربعام از الگوی هارون پیروی کرد و بدین سان خدای مصر را به جای خدای حقیقی بازنمایی نادرست نمود. خدایی کہ هم هارون و هم یربعام پدید آوردند، بر سوءتطبیق نمادی از ماهیت دوگانه روم، به عنوان نمادی از کشورداری و کلیساداری، مبتنی بود. هارون و یربعام هر دو در حال شناسایی تصویری از قدرت اژدها، با نمادپردازی تصویر وحش، بودند. از این رو، هر دو آن تاریخهای مقدس عصیان، آزمون عظیم قوم خدا را بازنمایی می کنند؛ آزمونی کہ به وسیله آن سرنوشت جاودانی ایشان تعیین خواهد شد. این آزمون، بنا بر وحی، آزمون تشکیل تصویر وحش است.

نخستین مجادله دربارهٔ نماد روم به عنوان «غارتگران قوم تو»، کہ به جدول پیشگامان ۱۸۴۳ راه یافت، استدلال می کرد کہ آنتیوخوس اپیفانس غارتگر است، به جای آن حقیقت کہ غارتگران، روم هستند. آن مجادلهٔ نخست، نمایانگر آخرین مجادله دربارهٔ این بود کہ غارتگران قوم تو، روم اند؛ جایی کہ اکنون استدلال می شود ایالات متحده غارتگران است، نه روم. با این همه، آنتیوخوس در آیات ده تا پانزده دانیال یازدهم نمادی از ایالات متحده است؛ از این رو، دروغ آغازین و دروغ پایانی دربارهٔ اینکه چه کسی مورد اشاره و نمایندگی است، یکسان است.

تاریکی و سردرگمی دربارهٔ آنچه انطیوخس در ایام آخر نمایندگی می کرد، موجب سردرگمی دربارهٔ صورت وحش می شود، همان گونه کہ عصیان هارون و یربعام چنین کرد. این سردرگمی دربارهٔ صورت وحش دقیقاً در همان زمانی رخ می دهد کہ آزمون عظیم برای قوم خدا، تشکیل صورت وحش است.

«خداوند به روشنی به من نشان داده است کہ صورت وحش پیش از بسته شدن در فیض شکل خواهد گرفت؛ زیرا این همان آزمون بزرگ برای قوم خدا خواهد بود کہ به واسطهٔ آن، سرنوشت ابدی ایشان تعیین خواهد شد. موضع شما چنان آمیخته ای از ناسازگاری هاست کہ جز اندکی فریب نخواهند خورد.»

«در مکاشفه ۱۳ این موضوع به روشنی ارائه شده است؛ [مکاشفه ۱۳:۱۱-۱۷، نقل قول شده].»

«این همان آزمونی است که قوم خدا باید پیش از آن که مہر شوند، با آن روبہ رو گردند۔ ہمہ کسانی کہ با نگاہ داشتن شریعت او و با امتناع از پذیرفتن سبت جعلی، وفاداری خود را بہ خدا ثابت کردند، زیر پرچم یہوہ، خداوند خدا، قرار خواہند گرفت و مہر خدای زندہ را دریافت خواہند کرد۔ اما کسانی کہ حقیقت دارای منشأ آسمانی را واگذارند و سبت یکشنبہ را بپذیرند، نشان وحش را دریافت خواہند کرد۔» Manuscript Releases, جلد ۱۵، ص. ۱۵

ہنگامی کہ خواہر وایت دیدگاہ میلر را کہ «قربانی دائمی» را نمایندہ روم بت پرست می دانست تأیید کرد، اظہار داشت کہ از سال ۱۸۴۴، «دیدگاہ ہای دیگر»، بہ صورت جمع، پذیرفتہ شدہ اند کہ «تاریکی و آشفتگی» پدید آورده اند۔ آشفتگی ای کہ از دیدگاہ ہای باطل درباره «قربانی دائمی» - کہ نمادی از روم بت پرست است - همچون «غارتگران قوم تو» پدید می آید، درباره تمایز میان روم و صورت روم نیز آشفتگی و تاریکی ایجاد می کند۔

نخستین و واپسین مناقشات بر سر نمادی از روم، میان قومی از عہد پیشین کہ از آنان عبور می شد و قومی کہ در آن زمان در حال تبدیل شدن بہ قوم عہد جدید خدا بودند، روی داد۔ این مناقشہ شامل عدم تمایل بہ تبعیت از قواعد تثبیت شدہ دستور زبان نیز بود، زیرا واژہ «also» در آیہ چہارہ از سوی پروتستان ہا مردود شمرده شد، و بدین سان ادعا کردند کہ راہزنان باید ہمان قدرتی باشند کہ در آیات پیشین نمایانہ شدہ است۔

یہ اُس وقت صحائف کو پیچ و تاب دے کر اُن کے معنی بدل دینے کی نمائندگی کرتا تھا جب انطیوخس کو زبردستی "لٹیروں" پر منطبق کیا گیا۔ یہ ذاتی تفسیر تھی، کیونکہ حق کے خلاف ہر جھوٹا عقیدہ ایک ذاتی تفسیر ہی ہوتا ہے۔ خود یہ تنازع ایک بنیادی سچائی بن گیا، کیونکہ اسے 1843 کے ابتدائی علمبرداروں کے چارٹ پر درج کیا گیا تھا۔ الہام کے ذریعہ اس چارٹ کی توثیق نے "لٹیروں" کو روم کی علامت کے طور پر ثابت اور معتبر ٹھہرایا، اور اس سچائی کی سنگینی کو بڑھا دیا، کیونکہ اس عقیدہ کو رد کرنا بنیادوں اور روح نبوت کے اختیار، دونوں کو رد کرنا تھا۔

فہم درست «غارتگران قوم تو» بہ مثابہ نمایندہ روم، ہنگامی کہ بہ الگوی نبوی ای افزودہ شود کہ فرشتگان بہ ویلیام میلر عطا کردند—زیرا با الگوی نبوی ای کہ او بدان راہ یافت و آن را عرضہ کرد موافقت داشت—و آن این بود کہ روم بت پرست و روم پاپی، بنیان ہمہ تطبیقات نبوی او بودند۔

تفسیر شخصی اوریاسمیت کہ پادشاہ شمال را در آیہ سی و ششم دانیال یازدہ فرانسیہ، و سپس در آیہ چہلم ترکیہ معرفی می کرد، مشتمل بر دو تشخیص نادرست از پادشاہ شمال بود۔ رد مبانی از سوی اسمیت در سال ۱۸۶۳، کوری ای پدید آورد کہ او را از دیدن یکی از ابتدایی ترین قواعد نبوت بازداشت؛ و آن این کہ تقریباً در زمان مسیح، نبوت موجودیت ہای روحانی نوین را کہ بہ وسیلہ موجودیت ہای تحت اللفظی باستانی نمونہ سازی شدہ بودند، بہ تصویر می کشید۔ پولس بہ طور مشخص این حقیقت را تعلیم داد، آنگاہ کہ تصریح کرد آنچه نخست آمد، تحت اللفظی بود و پس از آن، روحانی۔

لیکن وہ جو روحانی ہے، پہلے نہ تھا، بلکہ وہ جو طبعی ہے؛ اور اُس کے بعد وہ جو روحانی ہے۔ 1 کرتھیوں 15:46۔

اسمیت از قوم عہد بود کہ بہ جای پروتستان تیسمرتد، قوم خدا شدہ بودند، اما ہنگامی کہ «ہفت زمان» را رد کرد و نمودار ۱۸۶۳ خود را معرفی نمود، از شورش آنان حمایت کرد۔ بہ کار بستن تفسیر شخصی او، فہمی کاذب از آرماگدون در مکاشفہ باب شانزدہم پدید آورد، کہ این نیز آزمونی دیگر درباره درک صحیح از روم است۔

دز نخستین مجادله درباره دزدان، اسمیت نماینده کسانی بود که با نخستین تحقق مثل ده باکره درگیر بوده بودند. از این رو، او با دیدگاه شخصی خود درباره پادشاه شمال، نماینده قوم عهدی ای است که در فاصله سال‌های 1856 تا 1863 از آنان عبور می‌شد، آنگاه که به کلیسای لاودیکه‌ای ادونتیست روز هفتم تبدیل می‌شدند. همان‌گونه که پروتستان‌ها در مجادله دزدان چنین کردند، اسمیت نیز اقتدار نحوی آن بخش را که با تفسیر خصوصی خود تحریف کرده بود نادیده گرفت، زیرا از لحاظ دستوری، پادشاه شمال از آیه سی‌ویک تا آیه چهل‌وپنج، همواره و فقط قدرت پایی است.

به واسطه مناقشه «قربانی دائمی»، ویلی وایت و ا. ج. دنیلز برای پشتیبانی از دیدگاه کهن پروتستانی مبنی بر این که «قربانی دائمی» نمایانگر خدمت مسیح در قدس است، در تاریخ ادونتیستی دروغ‌هایی وارد کردند. آن تاریخ خاص در جداول حقوق شناسایی شده است، اما شایان توجه است که بر شهادت کاذب همراه با ترویج و استقرار این دیدگاه نادرست تأمل شود؛ زیرا فهم درست را میلر در دوم تسالونیکیان تشخیص داده بود، جایی که مسئله، تقابل میان کسانی است که حقیقت را محبت می‌ورزند و کسانی که دروغ را باور می‌کنند.

مجادله «قربانی دائمی» بر آن فهم «حکم بر حکم» می‌افزاید که مناقشه نهایی روم در زمان ریزش روح‌القدس رخ می‌دهد. همان‌گونه که روح‌القدس از بالا ریخته می‌شود، قدرتی از زیر برمی‌خیزد و کسانی را که آن را همچون قدرت خدا می‌پذیرند، در تصرف خود می‌گیرد، هرچند آن قدرت ضلالتی نیرومند است.

«این دو قدرت بزرگ در حال منازعه در کارند؛ یکی از زیر، و دیگری از بالا. هر انسان زیر نفوذ پنهان یکی یا دیگری قرار دارد، و اعمال او خصلت الهامی را که از آن سرچشمه می‌گیرند آشکار خواهد ساخت. آنان که با مسیح متحدند، همواره در مسیرهای مسیح عمل خواهند کرد. آنان که با شیطان در اتحادند، تحت الهام پیشوای خود کار خواهند کرد، در مخالفت با قدرت و عمل روح‌القدس. اراده انسان آزاد گذاشته شده است تا عمل کند، و به وسیله عمل آشکار می‌شود که چه روحی بر دل تأثیر می‌گذارد.» «از میوه‌های ایشان، ایشان را خواهید شناخت.» The 1888 Materials, 1508.

تضاد نبوی در مجادله «دائمی» این است که نمادی از اژدها به عنوان نمادی از مسیح شناسایی می‌شود. کسانی که حقیقت را رد می‌کنند، همچنین نقش میلر را که این حقیقت را کشف کرد رد می‌نمایند، و بدین‌سان روح‌القدس را رد کرده و گناه نابخشودنی را مرتکب می‌شوند.

در مقاله بعدی به مناقشه‌ای درباره روم خواهیم پرداخت که اندکی پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رخ داد.

«ما در زمانی زندگی می‌کنیم که حیات، از هر زمان، گران‌بها تر و شگفت‌انگیزتر است. پایان همه چیز نزدیک است. تحولات تکان‌دهنده پیوسته در برابر ما آشکار خواهد شد؛ زیرا عامل‌های نادیدنی در کارند و فعالیت‌های شدید از خود ظاهر می‌سازند. قدرت‌های تاریکی از زیر، بر عاملان انسانی در حرکت‌اند، و مردان شریر با فرشتگان شریر همکاری می‌کنند تا بر ضد احکام خدا و ایمان عیسی بجنگند؛ و در همان حال، قدرتی از بالا بر کسانی که خود را به تأثیرات الهی تسلیم خواهند کرد در حرکت است، و قوم خدا با موجودات هوشمند آسمانی همکاری می‌کنند. هیچ چیز جز ایمانی حقیقی و راستین از فشار و تنگنایی که در این ایام آخر بر هر نفس آدمی خواهد آمد تا او را بیازماید و محک زند، جان سالم به در نخواهد برد. خدا باید پناهگاه ما باشد؛ ما نمی‌توانیم به صورت ظاهر، اقرار، تشریفات، یا مقام اعتماد کنیم، یا بیندیشیم که چون نامی داریم که زنده‌ایم، خواهیم توانست در روز آزمایش بایستیم. هر آنچه بتواند متزلزل شود، متزلزل خواهد شد، و آن چیزهایی که با فریب‌ها و گمراهی‌های این ایام آخر نتوان آن‌ها را متزلزل ساخت، باقی خواهند ماند. جان را به صخره ابدی محکم پیوند دهید؛ زیرا تنها در مسیح امنیت خواهد بود. عیسی روزگاری را که ما در آن زندگی می‌کنیم، روزگار خطر توصیف کرد. او گفت: «و چنان که ایام نوح بود، ظهور پسر انسان نیز همچنین خواهد بود. زیرا همچنان که در ایامی که پیش از طوفان بود،

می‌خوردند و می‌نوشتند، نکاح می‌کردند و به نکاح می‌دادند، تا روزی که نوح به کشتی داخل شد، و ندانستند تا طوفان آمد و همه را برد؛ ظهور پسر انسان نیز همچین خواهد بود.» «و نیز همچنان که در ایام لوط واقع شد؛ می‌خوردند، می‌نوشتند، می‌خریدند، می‌فروختند، می‌کاشتند، بنا می‌کردند؛ اما در همان روزی که لوط از سدوم بیرون رفت، آتش و گوگرد از آسمان بارید و همه را هلاک ساخت. در روزی که پسر انسان ظاهر شود، نیز چنین خواهد بود.» «اما چون پسر انسان در جلال خود خواهد آمد، با همه فرشتگان مقدس خویش، آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست؛ و جمیع امت‌ها در حضور او جمع خواهند شد؛ و ایشان را از یکدیگر جدا خواهد نمود، چنان‌که شبان، گوسفندان را از بزها جدا می‌کند؛ و گوسفندان را بر دست راست خود و بزها را بر چپ خواهد نهاد. آنگاه پادشاه به آنان که بر دست راست اویند خواهد گفت: ای برکت‌یافتگان پدر من، بیاوید و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است، به میراث یابید.» سلوک ما در این حیات، سرنوشت ابدی ما را در آنجا تعیین خواهد کرد؛ به خود ما واگذار شده است که بگوییم آیا با کسانی خواهیم بود که وارث ملکوت خدا می‌شوند، یا با آنان که به ظلمت بیرونی خواهند رفت. خدا هر تمهیدی را برای نجات ما فراهم ساخته است؛ پس بیاوید از آنچه به بهایی نامتناهی خریداری شده است بهره‌مند شویم. «زیرا خدا جهان را این‌قدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی یابد.» Youth Instructor، 3 اوت 1893.